

اصطلاحات و عبارات کاربردی رایج اسپانیایی

سطح متوسط تا پیشرفته



تهیه شده توسط

چرب زبان

راهنمای استفاده و تلفظ

پیش از شروع، این صفحه را یک بار بخوانید.

این مجموعه برای چه کسی است؟

این کتابچه برای زبان آموز متوسط تا پیشرفته تدوین شده است. عبارت‌ها از زبان روزمره تا استدلال و نوشتار رسمی پیش می‌روند؛ برچسب کلی سطح، به معنای سطح‌بندی رسمی تک‌تک عبارت‌ها نیست.

هر کارت را چگونه بخوانیم؟

ابتدا عبارت اسپانیایی، سپس تلفظ فارسی و آوانویسی با حروف انگلیسی را بخوانید. بعد معنی، مثال و ترجمه آن را مرور کنید. خط آخر، لحن یا نکته دستوری لازم را نشان می‌دهد.

«تلفظ انگلیسی» در این فایل یعنی چه؟

خط لاتین، ترجمه انگلیسی نیست؛ راهنمای تقریبی تلفظ اسپانیایی با حروف انگلیسی است. حروف بزرگ هجای تکیه‌دار هر واژه را نشان می‌دهند. تکیه جمله به بافت وابسته است. تلفظ فارسی نیز تقریبی است و جای شنیدن صدای گویشور را نمی‌گیرد.

کلید خواندن آوانویسی لاتین

ah / eh / ee / oh / oo

به ترتیب: آ، ا، ای، او؛ کوتاه و بدون کشیدن اضافی

kh / ch / ny

به ترتیب: خ، چ، نی پیوسته؛ برای «خ» شدت صدا متغیر است

y / r / rr

تقریب «ی»؛ ر کوتاه؛ ر لرزشی و قوی‌تر

ay / ey / oy / au

به ترتیب: آی، ای، آئو؛ یک حرکت پیوسته صوتی

مبنای تلفظ و تفاوت منطقه‌ای

مبنا، تلفظی رایج در آمریکای لاتین است: «سیسئو» و یکسان‌خوانی «ی» و «الال». در این الگو، حرف زتا و حرف سه پیش از ا و ای، «س» خوانده می‌شوند. در بخش بزرگی از اسپانیا این صدا شبیه «ث» است. تلفظ «ی» نیز در بعضی مناطق، از جمله حوزه ریو دلا پلاتا، متفاوت است.

«اچ» اسپانیایی بی صداست؛ ب و وه معمولاً تمایز آوایی انگلیسی را ندارند. از افزودن واکه اضافی میان صامت‌ها پرهیز کنید. فهرست موضوعی و منابع در صفحه ۲۴ آمده است.

بیان نظر و موضع‌گیری

از نظر ساده به استدلال دقیق‌تر

01 Desde mi punto de vista

تلفظ: دسید می پونتود بیستا

DEHS-deh mee POON-toh deh BEES-tah

معنی: از دیدگاه من

Desde mi punto de vista, necesitamos más tiempo.

از دیدگاه من، به زمان بیشتری نیاز داریم.
کاربرد: خنثی؛ مناسب گفت‌وگو و جلسه.

02 A mi modo de ver

تلفظ: آ می مودودر

ah mee MOH-doh deh behr

معنی: به نظر من؛ آن‌طور که من می‌بینم

A mi modo de ver, el problema no es el precio.

به نظر من، مشکل قیمت نیست.
کاربرد: برای ارائه برداشت شخصی بدون ادعای قطعیت.

03 Si no me equivoco

تلفظ: سی نوم اکیبوکو

see noh meh eh-kee-BOH-koh

معنی: اگر اشتباه نکنم

Si no me equivoco, la reunión empieza a las diez.

اگر اشتباه نکنم، جلسه ساعت ده شروع می‌شود.
کاربرد: برای بیان اطلاعاتی که کاملاً از آن مطمئن نیستید.

04 Hasta donde yo sé

تلفظ: آستا دوند یوسه

AHS-tah DOHN-deh yoh seh

معنی: تا جایی که من می‌دانم

Hasta donde yo sé, todavía no han firmado.

تا جایی که من می‌دانم، هنوز امضا نکرده‌اند.
کاربرد: محدود بودن اطلاعات خود را روشن می‌کنید.

موافقت و مخالفت مؤدبانه

موضع روشن، لحن محترمانه

05 Estoy de acuerdo hasta cierto punto

تلفظ: استوی د آکوئردو آستا سیرتو پونتو

ehs-TOY deh ah-KWEHR-doh AHS-tah SYEHR-toh POON-toh

معنی: تا حدی موافقم

Estoy de acuerdo hasta cierto punto, pero faltan datos.

تا حدی موافقم، اما داده‌ها کافی نیستند.
کاربرد: برای موافقت مشروط، سپس توضیح محدودیت.

06 No lo veo tan claro

تلفظ: نو لویئو تان کلارو

noh loh BEH-oh tahn KLAH-roh

معنی: برای من آن قدر روشن نیست؛ چندان مطمئن نیستم

Dices que será fácil, pero no lo veo tan claro.

می‌گویی آسان خواهد بود، اما من چندان مطمئن نیستم.
کاربرد: مخالفت غیرمستقیم در گفت‌وگو.

07 Entiendo lo que dices, pero...

تلفظ: انتیندو لوق دیکس، پرو

ehn-TYEHN-doh loh keh DEE-sehs PEH-roh

معنی: می‌فهمم چه می‌گویی، اما...

Entiendo lo que dices, pero no podemos esperar.

می‌فهمم چه می‌گویی، اما نمی‌توانیم صبر کنیم.
کاربرد: نشان می‌دهد حرف طرف مقابل را شنیده‌اید.

08 No comparto esa opinión

تلفظ: نو کومپارتو اسا آپینیون

noh kohm-PAHR-toh EH-sah oh-pee-NYOHN

معنی: با آن نظر موافق نیستم

No comparto esa opinión, aunque respeto tu experiencia.

با آن نظر موافق نیستم، هرچند به تجربیات احترام می‌گذارم.
کاربرد: صریح و محترمانه؛ مناسب بحث جدی.

توضیح و روشن کردن منظور

وقتی لازم است دقیق‌تر صحبت کنید

09 A lo que me refiero es que...

تلفظ: آ لو که م رفیرو اس که

ah loh keh meh reh-FYEH-roh ehs keh

معنی: منظورم این است که...

A lo que me refiero es que falta coordinación.

منظورم این است که هماهنگی کافی وجود ندارد.
کاربرد: برای اصلاح برداشت شنونده از حرف شما.

10 Dicho de otro modo

تلفظ: دیچود اُترو مودو

DEE-choh deh OH-troh MOH-doh

معنی: به بیان دیگر

Dicho de otro modo, hay que empezar de nuevo.

به بیان دیگر، باید از نو شروع کرد.
کاربرد: خنثی تا رسمی؛ مناسب توضیح دوباره.

11 ¿Podrías concretar un poco más?

تلفظ: پودریاس کونکرتار اون پوکو ماس

poh-DREE-ahs kohn-kreh-TAHR oon POH-koh mahs

معنی: می‌توانی کمی مشخص‌تر توضیح بدهی؟

¿Podrías concretar un poco más tu propuesta?

می‌توانی پیشنهادات را کمی مشخص‌تر توضیح بدهی؟
کاربرد: درخواست مؤدبانه از یک مخاطب با «تو».

12 No me queda claro

تلفظ: نوم کدا کلارو

noh meh KEH-dah KLAH-roh

معنی: هنوز برایم روشن نیست

No me queda claro quién va a pagar los gastos.

هنوز برایم روشن نیست چه کسی هزینه‌ها را می‌پردازد.
کاربرد: ابهام در فهم؛ نه لزوماً مخالفت.

درخواست و پیشنهاد سنجیده

فراتر از «لطفاً» گفتن

13 ¿Te importaría...?

تلفظ: ت ایمپورتاریا

teh eem-pohr-tah-REE-ah

معنی: ممکن است...؟؛ اشکالی دارد...؟

¿Te importaría cerrar la ventana?

ممکن است پنجره را ببندی؟

کاربرد: پس از آن مصدر می‌آید؛ درخواست مؤدبانه با «تو».

14 Me vendría bien

تلفظ: م بندریا بین

meh behn-DREE-ah byehn

معنی: به دردم می‌خورد؛ برایم مناسب است

Me vendría bien hablar contigo esta tarde.

خوب می‌شود اگر امروز عصر با تو صحبت کنم.

کاربرد: درخواست یا بیان نیاز به شکلی نرم.

15 Sería conveniente

تلفظ: سریا کونبینینت

seh-REE-ah kohn-beh-NYEHN-teh

معنی: مناسب است؛ بهتر است

Sería conveniente revisar el contrato antes de firmar.

بهتر است پیش از امضا، قرارداد را بررسی کنیم.

کاربرد: لحن کاری یا رسمی؛ با مصدر کاربرد دارد.

16 No estaría de más

تلفظ: نواستاریا د ماس

noh ehs-tah-REE-ah deh mahs

معنی: بد نیست؛ ضرری ندارد

No estaría de más confirmar la dirección.

بد نیست آدرس را تأیید کنیم.

کاربرد: پیشنهاد ملایم برای یک اقدام مفید.

تصمیم و برنامه‌ریزی

از سنجیدن گزینه‌ها تا دست‌به‌کار شدن

17 Tener en cuenta

تلفظ: تَنِر ان کوئنتا

teh-NEHR ehn KWEHN-tah

معنی: در نظر گرفتن

Tenemos que tener en cuenta el presupuesto.

باید بودجه را در نظر بگیریم.
کاربرد: فعل اول با فاعل و زمان جمله تغییر می‌کند.

18 Sopesar los pros y los contras

تلفظ: سوپسار لوس پروس ای لوس کونتراس

soh-peh-SAGR lohs prohs ee lohs KOHN-trahs

معنی: سبک‌سنجین کردن مزایا و معایب

Antes de decidir, conviene sopesar los pros y los contras.

پیش از تصمیم‌گیری، بهتر است مزایا و معایب را بسنجیم.
کاربرد: مناسب تصمیم‌های مهم و بحث تحلیلی.

19 Dejarlo para más adelante

تلفظ: دِخارلو پارا ماس آدلانت

deh-KHAHR-loh PAH-rah mahs ah-deh-LAHN-teh

معنی: به بعد موکول کردن

Si no es urgente, podemos dejarlo para más adelante.

اگر فوری نیست، می‌توانیم آن را به بعد موکول کنیم.
کاربرد: «لو» به موضوعی برمی‌گردد که قبلاً گفته شده است.

20 Ponerse manos a la obra

تلفظ: پونرس مانوس آ لا ابرا

poh-NEHR-seh MAH-nohs ah lah OH-brah

معنی: دست‌به‌کار شدن

Ya tenemos un plan; vamos a ponernos manos a la obra.

حالا برنامه داریم؛ بیایید دست‌به‌کار شویم.
کاربرد: اصطلاح رایج؛ ضمیر بازتابی با فاعل عوض می‌شود.

محیط کار و همکاری

عبارتهایی برای پیش بردن کار مشترک

21 Estar al tanto de

تلفظ: استار آل تانتود

ehs-TAHR ahl TAHN-toh deh

معنی: در جریان چیزی بودن

¿Estás al tanto de los últimos cambios?

در جریان آخرین تغییرات هستی؟

کاربرد: با شخص یا گروه در محیط کاری و روزمره.

22 Ponerse al día

تلفظ: پونرس آل دیا

poh-NEHR-seh ahl DEE-ah

معنی: خود را به روز کردن؛ از عقب ماندگی درآمدن

Después de las vacaciones, necesito ponerme al día.

بعد از تعطیلات، باید خودم را به کارها برسانم.

کاربرد: با کارها، خبرها یا درسهای عقب افتاده.

23 Echar una mano

تلفظ: اچار اونا مانو

eh-CHAHHR OO-nah MAH-noh

معنی: کمک کردن؛ دستی رساندن

¿Me echas una mano con este informe?

برای این گزارش کمک می کنی؟

کاربرد: محاوره ای و دوستانه؛ برای نامه رسمی مناسب ترش «کمک کردن» است.

24 Llevar a cabo

تلفظ: لیبار آ کابو

yeh-BAHR ah KAH-boh

معنی: اجرا کردن؛ به انجام رساندن

El equipo llevará a cabo una prueba mañana.

تیم فردا یک آزمایش انجام خواهد داد.

کاربرد: خنثی تا رسمی؛ برای طرح، بررسی یا فعالیت.

مذاکره و رسیدن به توافق

پیشنهاد، انعطاف و نتیجه

25 Llegar a un acuerdo

تلفظ: یگار آ اون آکوئردو

yeh-GAHR ah oon ah-KWEHR-doh

معنی: به توافق رسیدن

Tras varias reuniones, logramos llegar a un acuerdo.

پس از چند جلسه، توانستیم به توافق برسیم.
کاربرد: کاربرد عمومی در مذاکره و حل اختلاف.

26 Estar dispuesto a

تلفظ: استار دیسپوئستو آ

ehs-TAHR dees-PWEHS-toh ah

معنی: آماده بودن برای؛ تمایل داشتن به

Estoy dispuesto a negociar el plazo.

آماده‌ام درباره مهلت مذاکره کنم.
کاربرد: پس از «آ» مصدر؛ گوینده زن می‌گوید «دیسپوئستا».

27 Dar el brazo a torcer

تلفظ: دارال براسو آ تورسر

dahr ehl BRAH-soh ah tohr-SEHR

معنی: کوتاه آمدن؛ از موضع خود عقب‌نشینی کردن

Al final dio el brazo a torcer y aceptó el cambio.

سرانجام کوتاه آمد و تغییر را پذیرفت.
کاربرد: محاوره‌ای؛ معمولاً پس از مقاومت اولیه.

28 Quedar en algo

تلفظ: کداران آلگو

keh-DAHR ehn AHL-goh

معنی: بر سر چیزی قرار گذاشتن

Quedamos en enviar la propuesta el viernes.

قرار گذاشتیم جمعه پیشنهاد را بفرستیم.
کاربرد: «ان» را حفظ کنید؛ با مصدر یا موضوع توافق.

مشکل و راه حل

توصیف دشواری بدون تکرار کلمه «مشکل»

29 Hacer frente a

تلفظ: آسر فرنت آ

ah-SEHR FREHN-teh ah

معنی: با چیزی مقابله کردن؛ از عهده آن برآمدن

La empresa debe hacer frente a nuevos gastos.

شرکت باید از عهده هزینه‌های تازه برآید.
کاربرد: برای دشواری، مسئولیت یا هزینه.

30 Salir del paso

تلفظ: سالیردل پاسو

sah-LEER dehl PAH-soh

معنی: موقتاً از مخمصه درآمدن؛ کار را راه انداختن

Con esta solución podemos salir del paso.

با این راه حل می‌توانیم فعلاً کار را راه بیندازیم.
کاربرد: حل موقت؛ لزوماً راه حل ریشه‌ای نیست.

31 Dar con la solución

تلفظ: دار کون لا سولوسیون

dahr kohn lah soh-loo-SYOHN

معنی: راه حل را پیدا کردن

Después de revisar los datos, dimos con la solución.

پس از بررسی داده‌ها، راه حل را پیدا کردیم.
کاربرد: «دار کون» یعنی یافتن، معمولاً پس از جست‌وجو.

32 No tener más remedio que

تلفظ: نو تینر ماس رمدیو ک

noh teh-NEHR mahs reh-MEH-dyoh keh

معنی: چاره‌ای نداشتن جز اینکه

No tenemos más remedio que aplazar el viaje.

چاره‌ای نداریم جز اینکه سفر را عقب بیندازیم.
کاربرد: پس از «ک» مصدر می‌آید.

زمان، سرعت و اولویت

وقتی محدودیت زمانی مهم است

33 A estas alturas

تلفظ: آ استاس آلتوراس

ah EHS-tahs ahl-TOO-rahs

معنی: در این مرحله؛ تا الان دیگر

A estas alturas, ya deberíamos tener una respuesta.

تا الان دیگر باید پاسخی دریافت کرده باشیم.
کاربرد: به مرحله فعلی کار یا زمان سپری شده اشاره دارد.

34 De un día para otro

تلفظ: د اون دیا پارا اُترو

deh oon DEE-ah PAH-rah OH-troh

معنی: یک‌شبه؛ از این روز به آن روز

No se aprende un idioma de un día para otro.

نمی‌شود یک‌شبه یک زبان یاد گرفت.
کاربرد: برای تغییر ناگهانی یا انتظار غیرواقعی از سرعت.

35 Cuanto antes, mejor

تلفظ: کوانتو آنتس، مخور

KWAHN-toh AHN-tehs meh-KHOHR

معنی: هرچه زودتر، بهتر

Envíame el documento; cuanto antes, mejor.

سند را برایم بفرست؛ هرچه زودتر، بهتر.
کاربرد: فوریت را روشن می‌کند؛ لحن به موقعیت وابسته است.

36 A largo plazo

تلفظ: آ لارگو پلاسو

ah LAHR-goh PLAH-soh

معنی: در بلندمدت

A largo plazo, esta inversión puede ser rentable.

در بلندمدت، این سرمایه‌گذاری می‌تواند سودآور باشد.
کاربرد: برای افق زمانی؛ نقطه مقابل «در کوتاه‌مدت».

احساسات و واکنش‌ها

حالت درونی را طبیعی‌تر بیان کنید

37 Me da la impresión de que...

تلفظ: مِ دا لا ایمپرسیون دِ کِه

meh dah lah eem-preh-SYOHN deh keh

معنی: این‌طور به نظرم می‌رسد که...

Me da la impresión de que estás preocupado.

این‌طور به نظرم می‌رسد که نگرانی.

کاربرد: برداشت شخصی؛ بدون ادعای دانستن احساس دیگری.

38 No me lo esperaba

تلفظ: نوِمِ لُو اسپِرابا

noh meh loh ehs-peh-RAH-bah

معنی: انتظارش را نداشتم

¡Qué buena noticia! No me lo esperaba.

چه خبر خوبی! انتظارش را نداشتم.

کاربرد: برای غافلگیری مثبت یا منفی، بسته به موقعیت.

39 Quedarse de piedra

تلفظ: کِدارسِ دِ پیدِرا

keh-DAHR-seh deh PYEH-drah

معنی: از تعجب خشک‌ش زدن

Me quedé de piedra cuando vi el resultado.

وقتی نتیجه را دیدم، از تعجب خشکم زد.

کاربرد: محاوره‌ای؛ واکنش شدید به اتفاق غیرمنتظره.

40 Estar hasta las narices

تلفظ: اِستار آستا لاس نارِیسس

ehs-TAHR AHS-tah lahs nah-REE-sehs

معنی: دیگر جانش به لب رسیده بودن

Estoy hasta las narices de tanto ruido.

از این همه سروصدا دیگر جانم به لب رسیده.

کاربرد: خودمانی و تند؛ برای گفت‌وگوی رسمی مناسب نیست.

روابط و ارتباط اجتماعی

دوستی، همدلی و ترمیم رابطه

41 Llevarse bien con

تلفظ: یبارس بین کون

yeh-BAHR-seh byehn kohn

معنی: با کسی رابطه خوبی داشتن

Me llevo bien con mis compañeros.

با همکارانم رابطه خوبی دارم.

کاربرد: ضمیر بازتابی لازم است؛ با «می» برای من.

42 Ponerse en el lugar de alguien

تلفظ: پونرس ان ال لوگارد آلگین

poh-NEHR-seh ehn ehl loo-GAHR deh AHL-gyehn

معنی: خود را جای کسی گذاشتن

Intenta ponerte en mi lugar antes de juzgar.

پیش از قضاوت، سعی کن خودت را جای من بگذاری.

کاربرد: برای دعوت به همدلی یا دیدن زاویه دیگر.

43 Echar de menos

تلفظ: اچارد منوس

eh-CHAHHR deh MEH-nohs

معنی: دلتنگ کسی یا چیزی شدن

Echo de menos a mis amigos de la universidad.

دلم برای دوستان دوران دانشگاه تنگ شده است.

کاربرد: با شخص مشخص، معمولاً «آ» پیش از مفعول می آید.

44 Hacer las paces

تلفظ: آسر لاس پاسس

ah-SEHR lahs PAH-sehs

معنی: آشتی کردن

Después de hablar, hicieron las paces.

بعد از صحبت کردن، آشتی کردند.

کاربرد: شکل جمع «پاسس» بخشی از عبارت است.

سفر و موقعیت‌های روزمره

عبارت‌های طبیعی برای مشکلات واقعی

45 Me temo que...

تلفظ: مِ-تمو-ک

meh TEH-moh keh

معنی: متأسفانه فکر می‌کنم...؛ می‌ترسم که...

Me temo que hemos perdido el tren.

متأسفانه فکر می‌کنم قطار را از دست داده‌ایم.
کاربرد: برای بیان خبر ناخوشایند با لحنی نرم.

46 Debe de haber un error

تلفظ: دِ-بِ-دِ اِبر اون ارور

DEH-beh deh ah-BEHR oon eh-RROHR

معنی: احتمالاً اشتباهی رخ داده است

Debe de haber un error en la reserva.

احتمالاً در رزرو اشتباهی رخ داده است.
کاربرد: در این ساخت، احتمال مطرح است، نه الزام.

47 ¿Habría alguna posibilidad de...?

تلفظ: آبریا آلگونا پوسیپیلیداد

ah-BREE-ah ahl-GOO-nah poh-see-bee-lee-DAHD deh

معنی: آیا هیچ امکانی هست که...؟

¿Habría alguna posibilidad de cambiar de habitación?

آیا امکان عوض کردن اتاق وجود دارد؟
کاربرد: درخواست مؤدبانه؛ پس از «د» مصدر می‌آید.

48 Estar de paso

تلفظ: اِستارد پاسو

ehs-TAHR deh PAH-soh

معنی: موقتاً جایی بودن؛ در حال گذر بودن

Estoy de paso por Madrid; mañana sigo mi viaje.

گذری در مادرید هستم؛ فردا سفرم را ادامه می‌دهم.
کاربرد: برای اقامت کوتاه در مسیر سفر.

پول، خرید و ارزش گذاری

هزینه‌ها را مثل یک گویشور طبیعی توصیف کنید

49 Salir a cuenta

تلفظ: سالیر آ کوئنتا

sah-LEER ah KWEHN-tah

معنی: به صرفه بودن

Comprar el abono mensual sale a cuenta.

خرید اشتراک ماهانه به صرفه است.
کاربرد: محاوره‌ای؛ به ویژه رایج در اسپانیا.

50 Costar un ojo de la cara

تلفظ: کوستار اون اُخود لا کارا

kohs-TAHR oon OH-khoh deh lah KAH-rah

معنی: خیلی گران بودن؛ پول خون پدر خواستن

Ese portátil cuesta un ojo de la cara.

آن لپ‌تاپ خیلی گران است.
کاربرد: محاوره‌ای و اغراق آمیز؛ قیمت دقیق نمی‌گوید.

51 Llegar a fin de mes

تلفظ: لیگار آ فین دِ مس

yeh-GAHR ah feen deh mehs

معنی: از نظر مالی ماه را به آخر رساندن

Con este sueldo, me cuesta llegar a fin de mes.

با این حقوق، به سختی تا آخر ماه دوام می‌آورم.
کاربرد: درباره کافی بودن درآمد برای مخارج ماهانه.

52 No estar para tirar el dinero

تلفظ: نواستار پارا تیرار ال دینرو

noh ehs-TAHR PAH-rah tee-RAHR ehl dee-NEH-roh

معنی: در وضعیتی نبودن که پول را هدر بدهیم

Este mes no estamos para tirar el dinero.

این ماه در وضعیتی نیستیم که پول را هدر بدهیم.
کاربرد: محاوره‌ای؛ برای تأکید بر صرفه‌جویی.

استدلال و پیوند جمله‌ها

گفتار و نوشتار منسجم‌تر

53 Ahora bien

تلفظ: آئورا بین

ah-OH-rah byehn

معنی: با این حال؛ البته باید در نظر داشت

La idea es buena. Ahora bien, necesitamos financiación.

ایده خوب است. با این حال، به تأمین مالی نیاز داریم.
کاربرد: برای افزودن محدودیت یا نکته مقابل، نه بیان زمان.

54 Aun así

تلفظ: آئون آسی

aun ah-SEE

معنی: با وجود این؛ با این حال

Estaba cansada; aun así, terminó el informe.

خسته بود؛ با وجود این، گزارش را تمام کرد.
کاربرد: در این معنا «aun» بدون نشانه تکیه نوشته می‌شود.

55 De ahí que...

تلفظ: دِ آئی_ک

deh ah-EE keh

معنی: به همین دلیل است که...

Hay mucha demanda; de ahí que suban los precios.

تقاضا زیاد است؛ به همین دلیل قیمت‌ها بالا می‌روند.
کاربرد: در این کاربرد، جمله بعد معمولاً فعل التزامی دارد.

56 Por si fuera poco

تلفظ: پور سی فوئرا پوکو

pohr see FWEH-rah POH-koh

معنی: تازه علاوه بر این؛ انگار این کم بود

Perdimos el tren y, por si fuera poco, empezó a llover.

قطار را از دست دادیم و تازه باران هم شروع شد.
کاربرد: برای افزودن نکته‌ای برجسته؛ اغلب شکایت‌آمیز.

شرط و فرض در سطح بالاتر

با جزئیات بیشتری شرط بگذارید

57 Siempre y cuando...

تلفظ: سیمپیر ای کواندو

SYEHM-preh ee KWAHN-doh

معنی: به شرط آنکه...

Te ayudaré siempre y cuando me avises con tiempo.

کمکت می‌کنم، به شرط آنکه به موقع خبرم کنی.
کاربرد: برای شرط هنوز محقق نشده، فعل التزامی می‌آید.

58 A no ser que...

تلفظ: آنو سرکه

ah noh sehr keh

معنی: مگر اینکه...

Iremos a caminar, a no ser que llueva.

برای پیاده‌روی می‌رویم، مگر اینکه باران ببارد.
کاربرد: در این ساخت شرطی، فعل پس از آن التزامی است.

59 En caso de que...

تلفظ: ان کاسو درکه

ehn KAH-soh deh keh

معنی: در صورتی که...

En caso de que surja un problema, llámame.

اگر مشکلی پیش آمد، به من زنگ بزن.
کاربرد: برای احتمال آینده، فعل التزامی می‌آید.

60 De haberlo sabido

تلفظ: د آبرلو سابیدو

deh ah-BEHR-loh sah-BEE-doh

معنی: اگر این را می‌دانستم؛ اگر از قبل می‌دانستم

De haberlo sabido, habría reservado antes.

اگر از قبل می‌دانستم، زودتر رزرو می‌کردم.
کاربرد: شرط خلاف واقع در گذشته؛ مناسب سطح پیشرفته.

اصطلاحات تصویری و پرکاربرد

معنا را از کل عبارت بگیرید

61 Dar en el clavo

تلفظ: داران ال کلابو

dahr ehn ehl KLAH-boh

معنی: دقیقاً درست گفتن؛ به هدف زدن

Has dado en el clavo: ese es el verdadero problema.

دقیقاً درست گفتی؛ مشکل واقعی همین است.
کاربرد: محاوره‌ای؛ برای تشخیص یا پاسخ درست.

62 Ir al grano

تلفظ: ایر آل گرانو

eer ahl GRAH-noh

معنی: رفتن سر اصل مطلب

Tenemos poco tiempo; vamos al grano.

وقت کمی داریم؛ برویم سر اصل مطلب.
کاربرد: محاوره‌ای؛ امر مستقیم آن ممکن است تند باشد.

63 Estar entre la espada y la pared

تلفظ: استار انتیر لا اسپادا ای لا پارِد

ehs-TAHR EHN-treh lah ehs-PAH-dah ee lah pah-REHD

معنی: میان دو انتخاب دشوار گیر افتادن

Si acepto, pierdo dinero; si no, el cliente. Estoy entre la espada y la pared.

اگر بپذیرم، پول از دست می‌دهم؛ اگر نه، مشتری را. بین دو راه سخت گیر کرده‌ام.
کاربرد: اصطلاحی؛ موقعیتی که هر انتخاب پیامد بدی دارد.

64 No tener pelos en la lengua

تلفظ: نو تِئِر پِلوس ان لا لِنِگوا

noh teh-NEHR PEH-lohs ehn lah LEHN-gwah

معنی: حرفش را بی‌پرده زدن؛ زبانش مو نداشتن

Marta no tiene pelos en la lengua y dice lo que piensa.

مارتا بی‌پرده حرف می‌زند و نظرش را می‌گوید.
کاربرد: ممکن است تحسین صراحت یا انتقاد از تنیدی باشد.

درک، برداشت و سوء تفاهم

وقتی معنای حرف‌ها مهم می‌شود

65 Caer en la cuenta de que...

تلفظ: کائِر_اَن لا کوئِنْتا_دِر_ک

kah-EHR ehn lah KWEHN-tah deh keh

معنی: ناگهان متوجه شدن که...

Caí en la cuenta de que había enviado el archivo equivocado.

ناگهان فهمیدم فایل اشتباهی را فرستاده بودم.
کاربرد: حرف اضافه «د» پیش از «ک» حفظ می‌شود.

66 Dar por hecho que...

تلفظ: دار پور_اچو_ک

dahr pohr EH-choh keh

معنی: بدیهی فرض کردن که...

No des por hecho que todos conocen las reglas.

بدیهی فرض نکن که همه قوانین را می‌دانند.
کاربرد: فرضی که ممکن است بررسی نشده باشد.

67 Tomarse algo al pie de la letra

تلفظ: تومارس آلگو آل پی_د لا_لِترا

toh-MAHR-seh AHL-goh ahl pyeh deh lah LEH-trah

معنی: چیزی را کلمه‌به‌کلمه و تحت‌اللفظی برداشت کردن

Era una broma; no te lo tomes al pie de la letra.

شوخی بود؛ آن را تحت‌اللفظی برداشت نکن.
کاربرد: «آلگو» جای موضوع می‌نشیند و قابل جایگزینی است.

68 No viene al caso

تلفظ: نو وِین آل کاسو

noh BYEH-neh ahl KAH-soh

معنی: ربطی به موضوع ندارد

Ese comentario no viene al caso.

آن نظر ربطی به موضوع ندارد.
کاربرد: ممکن است قاطع یا سرد به نظر برسد.

جمع‌بندی و عبارات‌های ظریف

برای پایان بحث و بیان نکته نهایی

69 Al fin y al cabo

تلفظ: آل فین ای آل کابو

ahl feen ee ahl KAH-boh

معنی: هرچه باشد؛ بالاخره

Podemos darle otra oportunidad; al fin y al cabo, todos nos equivocamos.

می‌توانیم فرصت دیگری به او بدهیم؛ هرچه باشد، همه اشتباه می‌کنیم.
کاربرد: برای یادآوری دلیلی مهم در جمع‌بندی.

70 A grandes rasgos

تلفظ: آ گران‌دس راسگوس

ah GRAHN-dehs RAHS-gohs

معنی: به‌طور کلی؛ در خطوط اصلی

Explícame el proyecto a grandes rasgos.

طرح را به‌طور کلی برایم توضیح بده.
کاربرد: درخواست تصویر کلی، بدون ورود به جزئیات.

71 Ni mucho menos

تلفظ: نی موچو-منوس

nee MOO-choh MEH-nohs

معنی: اصلاً و ابداً؛ به‌هیچ‌وجه

No está terminado, ni mucho menos.

تمام نشده؛ اصلاً و ابداً.
کاربرد: برای رد کردن قاطع یک برداشت یا ادعا.

72 Valga la redundancia

تلفظ: بالگا لاردوندانسیا

BAHL-gah lah reh-doon-DAHNS-yah

معنی: با پوزش از تکرار معنا

Lo importante es darle importancia, valga la redundancia.

مهم این است که به آن اهمیت بدهیم؛ با پوزش از تکرار معنا.
کاربرد: پیشرفته؛ وقتی آگاهانه واژه‌های هم‌معنا را تکرار می‌کنید.

دو گفت‌وگوی کاربردی

عبارت‌ها را در یک مکالمه پیوسته تمرین کنید.

۱. هماهنگی در محل کار

- A** Desde mi punto de vista, necesitamos más tiempo.
از دیدگاه من، به زمان بیشتری نیاز داریم.
- B** Entiendo lo que dices, pero el cliente no puede esperar.
می‌فهمم چه می‌گویید، اما مشتری نمی‌تواند منتظر بماند.
- A** Estoy dispuesto a reducir el plazo, siempre y cuando me ayudes.
آماده‌ام مهلت را کوتاه کنم، به شرط آنکه کمکم کنید.
- B** De acuerdo. Vamos a ponernos manos a la obra.
موافقم. بیایید دست‌به‌کار شویم.

تمرین: به جای کوتاه‌کردن مهلت، درباره تغییر بودجه یا تقسیم وظایف مذاکره کنید.

۲. پیگیری یک رزرو

- A** Me temo que hay un problema con mi reserva.
متأسفانه فکر می‌کنم رزرو من مشکلی دارد.
- B** ¿Podría decirme su nombre, por favor?
ممکن است لطفاً نامتان را بگویید؟
- A** Soy Sara Ahmadi. Debe de haber un error en las fechas.
سارا احمدی هستم. احتمالاً تاریخ‌ها اشتباه ثبت شده‌اند.
- B** Voy a comprobarlo. ¿Le importaría esperar un momento?
بررسی می‌کنم. ممکن است یک لحظه منتظر بمانید؟

نکته: در مکالمه دوم، شکل‌های خطاب محترمانه به کار رفته‌اند. برای تمرین تلفظ عبارت‌های اصلی به کارت‌های صفحه ۱۴ برگردید.

تمرین؛ از شناخت تا استفاده

ابتدا بدون نگاه کردن به پاسخ‌ها حل کنید.

الف) جای خالی را با عبارت مناسب کامل کنید.

از هر گزینه یک بار استفاده کنید؛ گزینه‌ها برای همین جمله‌ها صرف شده‌اند.

al tanto / de menos / a cabo / al grano
en cuenta / a un acuerdo / de piedra / de ahí que

1. ¿Estás _____ de los cambios?

در جریان تغییرات هستی؟

2. Echo _____ a mi familia.

دلم برای خانواده‌ام تنگ شده است.

3. Vamos _____; tenemos diez minutos.

برویم سر اصل مطلب؛ ده دقیقه وقت داریم.

4. Debemos tener _____ los gastos.

باید هزینه‌ها را در نظر بگیریم.

5. El equipo llevará _____ el proyecto.

تیم پروژه را اجرا خواهد کرد.

6. Tras negociar, llegamos _____.

پس از مذاکره، به توافق رسیدیم.

7. Me quedé _____ al oír la noticia.

با شنیدن خبر، از تعجب خشکم زد.

8. Hay mucho tráfico; _____ lleguemos tarde.

ترافیک زیاد است؛ به همین دلیل دیر می‌رسیم.

ب) این سه جمله را طبیعی به اسپانیایی بگویید.

۹. اگر اشتباه نکنم، جلسه فرداست.

۱۰. چاره‌ای نداریم جز اینکه صبر کنیم.

۱۱. اگر از قبل می‌دانستم، زودتر رزرو می‌کردم.

ج) در جمله ۸، چرا فعل «رسیدن» به شکل التزامی آمده است؟

پاسخ‌ها و برنامه مرور

پاسخ خود را با ساختار جمله مقایسه کنید.

1. al tanto

در جریان بودن؛ پس از آن «د» و موضوع می‌آید.

2. de menos

دلتنگ بودن؛ عبارت ثابت با فعل «اچار».

3. al grano

رفتن سر اصل مطلب؛ با فعل «ایر».

4. en cuenta

در نظر گرفتن؛ با فعل «تِتر».

5. a cabo

به انجام رساندن؛ با فعل «یبار».

6. a un acuerdo

به توافق رسیدن؛ با فعل «یگار».

7. de piedra

از تعجب خشک شدن؛ با فعل بازتابی «کدارس».

8. de ahí que

پیوند بیان نتیجه؛ در این الگو با فعل التزامی.

پاسخ‌های پیشنهادی بخش ترجمه

9. Si no me equivoco, la reunión es mañana.

10. No tenemos más remedio que esperar.

11. De haberlo sabido, habría reservado antes.

پاسخ بخش ج: عبارت «د آی-ک» در این ساخت، نتیجه را با فعل التزامی بیان می‌کند. شکل «یگموس» از فعل رسیدن، التزامی حال است. این نکته را نباید به همه پیوندهای نتیجه تعمیم داد.

مرور کوتاه و قابل اجرا

روز اول: چهار عبارت و چهار جمله شخصی. روز بعد: معنی‌ها را بیوشانید و به یاد بیاورید. روز چهارم: همان عبارت‌ها را در یک گفت‌وگوی تازه به کار ببرید. یک هفته بعد: بدون نگاه‌کردن به فایل، صدای خودتان را ضبط و مرور کنید.

فهرست موضوعی و منابع

برای پیدا کردن سریع بخش‌ها و ادامه یادگیری

۱۲ ص	احساسات و واکنش‌ها	۳ ص	بیان نظر و موضع‌گیری
۱۳ ص	روابط و ارتباط اجتماعی	۴ ص	موافقت و مخالفت مؤدبانه
۱۴ ص	سفر و موقعیت‌های روزمره	۵ ص	توضیح و روشن کردن منظور
۱۵ ص	پول، خرید و ارزش‌گذاری	۶ ص	درخواست و پیشنهاد سنجیده
۱۶ ص	استدلال و پیوند جمله‌ها	۷ ص	تصمیم و برنامه‌ریزی
۱۷ ص	شرط و فرض در سطح بالاتر	۸ ص	محیط کار و همکاری
۱۸ ص	اصطلاحات تصویری و پرکاربرد	۹ ص	مذاکره و رسیدن به توافق
۱۹ ص	درک، برداشت و سوء تفاهم	۱۰ ص	مشکل و راه‌حل
۲۰ ص	جمع‌بندی و عبارتهای ظریف	۱۱ ص	زمان، سرعت و اولویت

گفت‌وگوها: ۲۱ | تمرین: ۲۲ | پاسخ و مرور: ۲۳

منابع راهنمای تلفظ و بررسی چند اصطلاح

مثال‌ها و ترجمه‌های این کتابچه آموزشی و تألیفی‌اند. برای توضیح تفاوت‌های تلفظ و بررسی معنای چند اصطلاح، از منابع زیر استفاده شده است. فراوانی و لحن عبارتها ممکن است میان کشورها تفاوت داشته باشد.

RAE · Seseo y pronunciación

RAE · Yeísmo

DLE · dar en el clavo

DLE · dar el brazo a torcer

DLE · cuenta y sus locuciones

UDEP · echar de menos

چرب زبان
charbzaban.com